

از نگاه هنرمند

هنوز «به تدبیر» امیدواریم



نازنین مفخم تدوینگر

● یکی از کارگردان‌های تازه‌وارد سینما در اعتراض به دست‌وپاگیربودن ضوابط امنیت شغلی صنوف به نصیحت نسل گذشته می‌پردازد. آن‌هم نه با زبانی خوش که با رویی ترش و خشمگین. او که مایل است چند شغل را در عنوان‌بندی فیلم به خودش اختصاص دهد صنف تدوینگران سینما را مورد عتاب قرار می‌دهد و به پشتوانه کسب سیمِرخ از جشنواره فجر خود را در این حرکت محق می‌داند. البته موج مقابله با فعالیت‌های صنفی سینماگران که مهم‌ترین هدف آن دستیابی به امنیت شغلی است در دولت قبل آغاز شد. در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. خانه سینما را تعطیل اعلام کردند و در پی آن با لطایف‌الحیل افراد و گروه‌ها را روبروی یکدیگر قرار دادند این تلاش‌ها ادامه دارد و حتی به تشویق بعضی از نشریات سینمایی، گاه تشدید می‌شود. از جمله ترتیب‌دین مصاحبه با فیلمبرداران جوانی که جمع دلواپسان ضعیف حقوق تازه‌واردها را تشکیل و فعالیت‌های صنفی انجمن فیلمبرداران را مورد هجوم قرار می‌دهند. عده‌ای نگران بسته‌شدن درها به روی جوانان هستند و ضمناً یادآوری می‌کنند که طبق قانون نمی‌توان مانع کار کردن هیچ فردی شد. همین افراد وجود قوانین و ضوابط را برای اشتغال در حرفه‌های دیگر لازم می‌دانند. همه می‌دانند که تحصیل در رشته پزشکی و گذراندن دوره‌های کارآموزی برای اشتغال در این حرفه کافی نیست و بی‌آنکه نظام پزشکی کشور فردی را تأیید کند اجازه کار نخواهد داشت. این قاعده در مورد وکلا و مهندسان هم صادق است، حتی کسبه پس از تأیید صنف، اجازه کار خواهند داشت. پس چرا تصور می‌کنیم که فعالیت یک کارگردان، فیلمبردار یا تدوینگر که حاصل کارش با سرنوشت و نیازهای فرهنگی و روانی جامعه سروکار دارد اهمیت کمتری دارد. چرا مهارت و تجربه در این مشاغل را بی‌ارزش می‌شماریم؟ اینجا حقوق جامعه‌ای که مخاطب و مصرف‌کننده آثار سینمایی است و حقوق فردی که «ادش» می‌خواهد فیلمش را خودش مونتاژ کند یا فیلمبرداری فیلمش را به رفیق یا برادر بی‌تجرب‌اش بسپارد در دو کفه ترازو قرار می‌گیرد. اگر تشخیص و نظارت در این امور را به آنها که صاحب تجربه و مهارت در این رشته‌ها هستند نسپاریم به چه کسانی می‌سپاریم؟ به کارمندی که مسئول صدور مجوزهای اداری هستند؟ یا به سرمایه‌گذاری که بودجه‌های دولتی را مستقیم یا غیرمستقیم وارد سینما می‌کنند و سودشان در تولید نهفته، نه در عرضه محصول نهایی. آیا در کشورهای اروپایی که قوانین صنفی را رعایت می‌کنند، افرادی که عضو صنوف نیستند نمی‌توانند مشغول به کار شوند و استعدادهای جوان قربانی شده‌اند؟ اینکه در کشورهای که سابقه‌ی بیشتری در فیلمسازی دارند و از حنف یا سیردن مشاغل متعدد به یکفتر جلوگیری می‌شود و پرداخت حداقل دستمزد رعایت می‌شود، سینما تعطیل شده است؟ عده‌ای در این میان نگران آسیب‌رساندن به سینمای مستقل می‌شوند. اما در کشور ما سینمای مستقل چه معنایی دارد، مستقل از چه چیزی؟ سوال این اصطلاح به فیلم‌هایی که در آمریکا، مستقل از هالیوود ساخته می‌شود اشاره دارد و در بعضی موارد به سینمای زیرزمینی اطلاق می‌شود. در ایران که بخش خصوصی هم در سینما متکی به پیرانه و سرمایه‌های دولتی است و خطوط قرمز مشخصی در ممیزی اعمال می‌شود، سینمای مستقل چه معنایی خواهد داشت. تردیدی نیست که در سینما هر دو وجه صنعت و هنر به یک اندازه دارای اهمیت است. شرط ادامه حیات آن نیز برنام‌ریزی برای ایجاد یک چرخه سالم اقتصادی، تأکید بر کیفیت محصول نهایی و ایجاد تعادل در عرضه و تقاضاست. لاجرم محدودیت‌هایی در رشد تعداد فیلم‌ها و دست‌اندرکاران را به‌همراه دارد که نیازمند قوانین خاصی است. در اکثر کشورهای جهان این قواعد توسط صنوف تبیین می‌شود. از سوی دیگر باید در نظر داشت که فیلم، حاصل کار گروهی افراد متخصص است که این حرفه را منبع اصلی درآمد و امراض‌معاش خود قرار داده‌اند، بنابراین دارای بیشترین انگیزه برای حفظ حیات سینما هستند و زمانی کارشان را بهتر انجام می‌دهند که از امنیت شغلی و آرامش روانی برخوردار باشند. در نتیجه یکی از شرایط اصلی برای بهبود کیفیت و تدوالم تولیدات سینمایی، تأمین امنیت شغلی دست‌اندرکاران است. هدف اصلی این یادداشت، یافتن علت حمله‌های بی‌درپی به فعالیت‌های صنفی است. باورپذیر نیست که این همه تلاش تنها به‌دلیل دلواپسی برای شکوفاندن استعدادهای جوان یا به‌خطر افتادن جریان سینمای مستقل باشد که اساسا در وجودش تردید داریم. اما تجربه دیگر کشورها و صنوف نشان می‌دهد که این مقابله مسبوق به‌سابقه است. فعالیت‌های جمعی برای کسب حقوق صنفی و مدنی نوعی بلوغ اجتماعی را به‌همراه دارد که سبب می‌شود افراد به اصول حرفه‌ای و مقررات صنفی پایبند بمانند، خواهان شرایط استاندارد کار و دستمزد عادلانه باشند و احترام و جایگاه حرفه‌ای خود را در سلسله‌مراتب، طلب کنند و از ارایه خارج از وظایفشان خودداری کنند. به‌منظر می‌رسد در دورانی که نفس تولید بیش از حاصل کار اهمیت دارد و برکاری فضیلت است، همین دالایل برای مقابله با فعالیت‌های صنفی کافی است. از همین جنس دلائل است که سبب می‌شود افراد کم‌تجربه در بیشتر از با تجربه‌ترها دعوت به کار شوند. به‌هر حال، امید دست‌اندرکاران حرفه‌ای به اقدام و ابتکار عمل مدیریت سینما در دولت جدید بود که متأسفانه هنوز این امر را در اولویت نمی‌بیند و طر‌های رایج‌شده در زمینه امنیت شغلی را مسکوت می‌گذارد. امیدواریم حمله‌های دلواپسان سینمایی علت این سکوت نباشد ما هنوز به تدابیر شما امیدواریم.

شنبه روز خوبی بود؛ روز غزه، روز خون بود. یک روز بعد از روز خونین رفح و غزه در کشاکش آتش‌بسی که آتش‌بار شد، هنرمندان ایران و جهان بار دیگر در حمایت از مردم مظلوم غزه دست‌به‌دست هم دادند. در ایران این‌بار نوبت اهالی سینما بود که در همراهی با سازمان سینمایی و انجمن سینمایی جوان «خون» خود را برای کمک به مجروحان حملات صهیونیست‌ها اهدا کنند. فراخوان درست یک روز قبل یعنی روز جمعه ۱۰ مرداد و در آستانه هفته‌ای که به‌نام انتقال خون نام گرفته، منتشر شد. اما از ساعت‌های اولیه کار سازمان انتقال خون در خیابان وصال صفی فشرده از هنرمندان و سینماگران و مدیران سینمایی کشور تشکیل شد. حجت‌الله ایوبی، اصغر فرهادی، محمدرضا فرجی، بهمن حبشی، سیدمحسن هاشمی، دانش اقباشاوی، حسن پورشیرازی،

افسانه پایگان، حبیب ایل‌یگی، فرید فرخنده‌کیش، محمدرضا شفیعی، هادی مقدم‌دوست و... بخشی از کسانی بودند که در پایگاه مرکزی و قدیمی سازمان انتقال خون در خیابان وصال منتظر ماندند تا بخشی از خون خود را برای کمک به کودکان آسیب‌دیده غزه اهدا کنند.

باید از مردم بی‌گناه غزه حمایت کنیم

در میان سینماگران شاید حضور اصغر فرهادی، کارگردان برنده اسکار ایرانی بیشتر از سایرین به چشم می‌خورد. او که با تشکیل کمپین «نه به کشتار» به همراه نسین ستوده از ابتدای آغاز حملات صهیونیست‌ها به غزه هنرمندان جهانی را با خود همراه کرده بود در یک‌هفته گذشته با حمله برخی از سایت‌های اسولگرا و برخی هنرمندان روبه‌رو شد که در برابر همه آنها سکوت کرده بود. با آنکه هنرمندانی چون هانی ابوسود و خاویر باردم از این حرکت حمایت کردند، اسولگرایان، فرهادی را متهم به محافظه‌کاری کردند. اما حضور فرهادی در پایگاه مرکزی انتقال خون تهران و اهدای خون ششاید مهم‌ترین پاسخ برنده اسکار ایرانی بود که در جمع خبرنگاران با تأکید دوباره بر حمایت از مردم فلسطین گفت: «اهدای خون به مردم بی‌گناه غزه یک همدردی با مردم غزه، در مقابل جنایات رژیم اشغالگر قدس است. در واقع، اهدای خون یک حر کت نمادین است که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد».

فرهادی با بیان اینکه هر کسی امروز فارغ از نگاه سیاسی باید به شکلی احساسات خود را درباره وقایع غزه بروز دهد و باید از مردم بی‌گناه غزه حمایت کند؛ درباره حمایت ایده اهدای خون گفت: «حمایت از مردم غزه به معنای حمایت از تمامیت انسانی است. تمام شخصیت‌ها رویاهایی دارند که ناتمام می‌گذارد. همه در روزمرگی غریبی گرفتارند و اغلب روبرو با مرگ، هیچ امکان گریز یا جاودانگی ندارند. همان‌جا فکر می‌کنم اگر روزی این شخصیت‌ها در نمایشنامه‌هایی به سخن درآیند و خوب به سخن درآیند، می‌شود آنچه می‌خواهم بر اساس شخصیت‌هایی خیالی یا واقعی منو درام بنویسند. جلسه سوم است یا چهارم و روزی سرنوشت‌ساز؛ همه باید از شخصیت‌های نمایشنامه‌هایشان بگویند و آنها را مثل وجودی واقعی بکشایند. باید بگویند شخصیت من‌ودرامشان کیست و چرا آنقدر ارزش دارد که از میان تمام آدم‌های موجود و ناموجود می‌تواند راه بگشاید به نمایشنامه و بعد احتمالاً به صحنه تئاتر.

کلاس ۱۵ نفری است و بچه‌ها دانه‌دانه از شخصیت‌هایشان می‌گویند. بازی که تمام می‌شود، می‌گویم: «اینکه کارنوال انفعاله» و دارم مستقیم اشاره می‌کنم به وجهی مشترک در تمام زستان سال ۱۳۹۲. هنرهای زیبا، دانشگاه هنرهای نمایشی و موسیقی، طبقه آخر، پلاتوی کوچک و تاریکی که گرم گرم است و ما در گرماگرم کارگاه نمایشنامه‌نویسی یک. کارگاهی که در آن از بچه‌های می‌خواهم بر اساس شخصیت‌هایی خیالی یا واقعی منو درام بنویسند. جلسه سوم است یا چهارم و روزی سرنوشت‌ساز؛ همه باید از شخصیت‌های نمایشنامه‌هایشان بگویند و آنها را مثل وجودی واقعی بکشایند. باید بگویند شخصیت من‌ودرامشان کیست و چرا آنقدر ارزش دارد که از میان تمام آدم‌های موجود و ناموجود می‌تواند راه بگشاید به نمایشنامه و بعد احتمالاً به صحنه تئاتر.

کلاس ۱۵ نفری است و بچه‌ها دانه‌دانه از شخصیت‌هایشان می‌گویند. بازی که تمام می‌شود، می‌گویم: «اینکه کارنوال انفعاله» و دارم مستقیم اشاره می‌کنم به وجهی مشترک در تمام

شرق: گالری گلستان، عصر جمعه دهم مرداد از جاده‌های هراز و چالوس هم شلوغ‌تر بود؛ انبوه استقبال کنندگان از بیست‌ودومین نمایشگاه «صد اثر صد هنرمند» چنان بود که خیابان‌های اطراف گالری گلستان در خیابان کماسایی دروس، جایی برای پارک اتومبیل نداشت و همین حضور پررنگ مردم سبب شد افتتاحیه قدیمی‌ترین رویداد تجسمی ایران با رکورد فروش قابل ملاحظه ۴۴۵میلیون تومانی همراه شود.

در عصر داغ روزهای میانی تابستان در حالی که به نظر می‌رسید پایتخت به جهت سفر شهروندان خالی از دست‌اندر هنر باشد، گالری گلستان جای سوزن انداختن نداشت تا لیلی گلستان، فرصت سر خازندان نداشت باشد. او پس از چیدمان حدود ۲۰۰ اثر از ۱۶۰ هنرمند در گالری کوچکش، توانست ۳۸ اثر را در مجموع به قیمت ۴۴۵میلیون تومان به فروش برساند.

گران‌ترین اثر به فروش‌رسیده در افتتاحیه، گران‌ترین کار «صد اثر صد هنرمند» بیست و دوم بود: «نقاشی کوچک انتزاعی از سه‌راه سپهری» ۲۸۰میلیون تومان قیمت‌گذاری شد و فروش رفت؛ تابلویی که اتفاقاً پشت‌سر مدیر گالری گلستان و هم‌تراز نگاه دیدار‌کنندگان نصب شده بود و در میان انبوه تابلوهایی که این روزها همه دیوارهای گالری را پوشانده‌اند «صدای پای آب، می‌دهد؛ اما از دیگر آثار به فروش رسیده می‌توان به تابلوهایی سیدمحمد اصحابی، فریده لاشایی، مش احمدی، بهجت صدر، ابراهیم جعفری و...

اهدای خون هنرمندان برای غزه

فرزانه ابراهیم‌زاده



غزه توسط اهالی سینما مطرح شد و دلم می‌خواست همراه این حرکت باشم زیرا سینمای ایران در حرکت‌های اسان‌دوستانه همیشه پیشقدم و مدافع بوده است. رفتار

رژیم صهیونیستی دیکتاتورآمریانه است و فکر می‌کنند به جز خودشان دیگران حق زندگی ندارند و باید از بین بروند. اینگونه رفتارهای حمایتی از جانب سینماگران به دنیا واکنش‌ها و انعکاس‌های زیادی به‌دنبال داشته است و دیگر امروز مانند گذشته دنیا در قبال جنایات علیه مردم غزه سکوت نمی‌کند.» او ابراز امیدواری کرد به این خونریزی در غزه پایان داده شود.

در مورد تکفیری‌ها فیلم می‌سازیم

حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی هم یکی دیگر از کسانی بود که با اهدای خون خود از مردم غزه حمایت کرد. او با تشکر از اهالی سینما و حضورشان در خانه سینما در روز قدس گفت: «اهالی سینما و جامعه هنری همچون اتفاقات فلسطین و غزه کاملاً به‌هوش بوده و به وظایف خود عمل کرده‌اند و درباره جنایات اخیر رژیم صهیونیستی در غزه نیز از روزهای آغازین همیاری و همدردی خود را با مردم غزه اعلام و رفتار رژیم ستمگر صهیونیستی را محکوم کرده‌اند. امروز نیز گروهی از سینماگران به‌صورت سلبیک و نمادین با حضور در سازمان انتقال خون و اهدای خون خود به مردم غزه باردیگر همدردی خود را با این مردم اعلام و جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم کردند».

ایوبی بر لزوم حمایت از فیلم‌هایی درباره مظلومیت مردم غزه و جنایات گروه‌های تکفیری گفت: «ما از طرح‌هایی که درباره جنایات گروه‌های تکفیری و همچنین مظلومیت مردم غزه باشد، حمایت و از ساخت

۳اپیزود از رویدادی در دانشکده هنرهای زیبا

«کارنوال انفعال»، صدای دهه هفتادی‌ها

شخصیت‌ها: انفعال. تمام شخصیت‌ها رویاهایی دارند که ناتمام می‌گذارد. همه در روزمرگی غریبی گرفتارند و اغلب روبرو با مرگ، هیچ امکان گریز یا جاودانگی ندارند. همان‌جا فکر می‌کنم اگر روزی این شخصیت‌ها در نمایشنامه‌هایی به سخن درآیند و خوب به سخن درآیند، می‌شود آنچه می‌خواهم بر اساس شخصیت‌هایی خیالی یا واقعی منو درام بنویسند. جلسه سوم است یا چهارم و روزی سرنوشت‌ساز؛ همه باید از شخصیت‌های نمایشنامه‌هایشان بگویند و آنها را مثل وجودی واقعی بکشایند. باید بگویند شخصیت من‌ودرامشان کیست و چرا آنقدر ارزش دارد که از میان تمام آدم‌های موجود و ناموجود می‌تواند راه بگشاید به نمایشنامه و بعد احتمالاً به صحنه تئاتر.

کلاس ۱۵ نفری است و بچه‌ها دانه‌دانه از شخصیت‌هایشان می‌گویند. بازی که تمام می‌شود، می‌گویم: «اینکه کارنوال انفعاله» و دارم مستقیم اشاره می‌کنم به وجهی مشترک در تمام

شنبه روز خوبی بود؛ روز غزه، روز خون بود. یک روز بعد از روز خونین رفح و غزه در کشاکش آتش‌بسی که آتش‌بار شد، هنرمندان ایران و جهان بار دیگر در حمایت از مردم مظلوم غزه دست‌به‌دست هم دادند. در ایران این‌بار نوبت اهالی سینما بود که در همراهی با سازمان سینمایی و انجمن سینمایی جوان «خون» خود را برای کمک به مجروحان حملات صهیونیست‌ها اهدا کنند. فراخوان درست یک روز قبل یعنی روز جمعه ۱۰ مرداد و در آستانه هفته‌ای که به‌نام انتقال خون نام گرفته، منتشر شد. اما از ساعت‌های اولیه کار سازمان انتقال خون در خیابان وصال صفی فشرده از هنرمندان و سینماگران و مدیران سینمایی کشور تشکیل شد. حجت‌الله ایوبی، اصغر فرهادی، محمدرضا فرجی، بهمن حبشی، سیدمحسن هاشمی، دانش اقباشاوی، حسن پورشیرازی،

افسانه پایگان، حبیب ایل‌یگی، فرید فرخنده‌کیش، محمدرضا شفیعی، هادی مقدم‌دوست و... بخشی از کسانی بودند که در پایگاه مرکزی و قدیمی سازمان انتقال خون در خیابان وصال منتظر ماندند تا بخشی از خون خود را برای کمک به کودکان آسیب‌دیده غزه اهدا کنند.

فرهادی با بیان اینکه هر کسی امروز فارغ از نگاه سیاسی باید به شکلی احساسات خود را درباره وقایع غزه بروز دهد و باید از مردم بی‌گناه غزه حمایت کند؛ درباره حمایت ایده اهدای خون گفت: «حمایت از مردم غزه به معنای حمایت از تمامیت انسانی است. تمام شخصیت‌ها رویاهایی دارند که ناتمام می‌گذارد. همه در روزمرگی غریبی گرفتارند و اغلب روبرو با مرگ، هیچ امکان گریز یا جاودانگی ندارند. همان‌جا فکر می‌کنم اگر روزی این شخصیت‌ها در نمایشنامه‌هایی به سخن درآیند و خوب به سخن درآیند، می‌شود آنچه می‌خواهم بر اساس شخصیت‌هایی خیالی یا واقعی منو درام بنویسند. جلسه سوم است یا چهارم و روزی سرنوشت‌ساز؛ همه باید از شخصیت‌های نمایشنامه‌هایشان بگویند و آنها را مثل وجودی واقعی بکشایند. باید بگویند شخصیت من‌ودرامشان کیست و چرا آنقدر ارزش دارد که از میان تمام آدم‌های موجود و ناموجود می‌تواند راه بگشاید به نمایشنامه و بعد احتمالاً به صحنه تئاتر.

کلاس ۱۵ نفری است و بچه‌ها دانه‌دانه از شخصیت‌هایشان می‌گویند. بازی که تمام می‌شود، می‌گویم: «اینکه کارنوال انفعاله» و دارم مستقیم اشاره می‌کنم به وجهی مشترک در تمام

فروش ۴۴۵میلیونی افتتاحیه «صد اثر صد هنرمند»

گالری گلستان شلوغ‌تر از جاده‌های هراز و چالوس



عکس هنرآنتین

اشاره کرد که به گفته لیلی گلستان در این فروش، سهم جوانان بسیار قابل توجه بود.

از منظر تعداد آثار به نمایش درآمده، «صد اثر صد هنرمند» شلوغ‌تر از همیشه است. آن‌سان که گالری گلستان جای خالی روی دیوارهایش ندارد و حتی ویترین را نیز با تمهیداتی به دیوار تبدیل کرده‌اند تا چند تابلو بیشتر

دردنامه‌ای از کودکان غزه حمایت کردند. در بخشی از این نامه با انتقاد از رسانه‌های غربی و چهره‌های فعال در جهان که در برابر این کودک‌کشی سکوت کردند، آمده است: «دیگر در غزه مدرسه‌ای نیست که ردپای خون آلود کودکان بر کف آن نقش نبسته یا مسجدی، که تکه‌های گوشت بدن و مغز مومنان بر آن نجس‌سیده باشد. انسان کجاست؟... سازمان ملل چه می‌کند؟ آیا حقیقت را که جنین‌های و درخشان در مقابلشان ایستاده نمی‌بینند؟ آیا از دل‌های بزرگ کودکان فلسطینی که تنها وسیله دفاع‌شان سنگی است که در دست‌های کوچک خود می‌فشازند، هیچ‌چیز نیاموخته‌اند.» همچنین عوامل نمایشگاه غزه در خون در گالری پردیس سینمایی ملت دیدن کردند. بهروز افخمی کارگردان، سیدجمال ساداتیان تهیه‌کننده،مرجان‌شیرمحمدی‌نویسنده

و بازیگر و امیرعلی دانایی بازیگر «فیلم آذر، شه‌دخت، پرویز» و دیگران روز ششم‌شنبه هم‌زمان با عید سعید فطر ضمن حضور در پردیس سینمایی ملت و کماتشای این فیلم به همراه مخاطبان خود، از نمایشگاه کاریکاتور غزه در خون گالری این پردیس سینمایی واقع در طبقه منفی دو نیز بازدید کردند. در این نمایشگاه ۴۵ هنرمند از ۱۹ کشور دنیا ۶۱ اثر را در حمایت از مردم مظلوم و بی‌گناه فلسطین با موضوع جنایت‌های رژیم اشغالگر خلق کرده‌اند.

ریتا برای کودکان غزه

اما حمایت از کودکان غزه فقط در ایران نبود. «مارسل خلیفه»، نوازنده و خواننده لبنانی با حضور در پنجاهمین جشنواره موسیقی «کارناز» که تازه‌نوس، با اجرای قطعاتی از اشعار میهن‌پرستانه از جمله قطعه مشهور ریتای «محمود درویش»، شاعر مقاومت فلسطین، با مردم غزه همدردی و سپس این اجرای خود را به کودکان فلسطینی تقدیم کرد. خلیفه بعد از این اجرا در جمع خبرنگاران گفت: «این ماجرا ویژه حوادث این روزهای غزه است و تمام تلاش خود را برای ارسال پیام عشق و همدردی به کودکان غزه انجام خواهد داد. کودکان غزه در برابر دشمنی بی‌رحم قرار دارند و با محاصره‌ای می‌جنگند که پایانی ندارد، او قطعه ریتا را در زمان حیات درویش با همراهی او با عود نواخته و خوانده بود. همچنین اعتراضی گروهی از هنرمندان در اسکاتلند باعث توقف اجرای یک گروه اسراییلی در ادینبورو شد. این گروه که قرار بود اپرایی را در حاشیه جشنواره ادینبورو اجرا کنند با واکنش هنرمندان اسکاتلندی روبه‌رو شدند. ۵۰هنرمند و نویسنده نمایی را امضا کردند و خواستار لغو اپرای «شهر» صهیونیست‌هاشدند.

پس از کارنوال

کارنوال انفعال اول مردادماه سال ۱۳۹۳ در تماشاخانه «آو» به مدت ششش روز اجرا می‌شود؛ و این بار تنها ن ۹نمایشنامه از بیسن ۱۵تای آغازین. تجربه‌ای غریب و جذاب. اسمش کارنوال انفعال است، اما جوهر‌اش یک جور اعتراض است به انفعال. یک جور به سخره گرفتن انفعال. دهه هفتادی‌هایی که از انفعال نوشته‌اند، در انفجاری از «فعل» از سویی به سوی دیگر می‌روند؛ جان تئاتر حرکت است و هیجان و تب و تاب و آنها دارند برخی برای اولین بار در زندگی‌شان این جنون فعال را در پستیوی‌های تماشاخانه «آو» تجربه می‌کنند. کارنوال فعلا تمام می‌شود. اما موضوع و اهمیت جامعه‌ناسانه‌اش تمام‌ناشدنی است؛ اینکه چرا صدای یک نسل باید این همه با مساله انفعال پیوند خورده باشد، سوالی است که از آن رها نمی‌شود. هر چه هست کارنوال انفعال، هنوز تمام نشده. ما هنوز در کارگاه نوشتن‌سیم و فراتر است باز صدای نویسندگان جوان دهه هفتادی، گوشه‌های صحنه‌ای به گوش دیگران برسد. نمایشنامه‌نویسان دهه هفتادی با صدای خودشان می‌آیند و ما چرا‌های جز گوش سپردن به آنها نداریم.

چهره روز

هم‌صدایی همایون شجریان و علیرضا قربانی



● شرق: همایون شجریان و علیرضا قربانی در آلبومی به آهنگسازی مهیار علیرزاه هم‌صدای می‌شوند این آلبوم در ژانر موسیقی ارکسترال است و ضبط آن به پایان رسیده و در مرحله میکس قرار دارد. مهیار علیرزاه آهنگساز این کار در مورد حساسیت‌های اثر گفته است: «برای اولین بار است که بعد از انقلاب دو خواننده سرنشانی ایرانی در کنار هم قرار می‌گیرند و اثری مشترک را تولید می‌کنند، حتما حساسیت‌ها در این باره زیاد است و ما تمام تلاشمان را کرده‌ایم تا بهترین اثر را تولید کنیم، این اثر برای هردو خواننده اهمیت ویژه‌ای دارد تا جایی که در تمام مراحل ضبط در کنار همدیگر حضور داشتند، اگرچه کار مشترک دو خواننده در موسیقی ایرانی کمتر سابقه داشته است ولی نمونه‌های معبودی از آن مثل اپرای عروسکی مولوی قطعه دیدار ششم و مولانا با صدای همایون شجریان و محمد معتمدی با آواز مشترک شجریان پدر و پسر در کنسرت‌ها و کارهای مشترک اخیر شهرام و حافظ‌ناظری در این سال‌ها در موسیقی ایران تجربه شده است. به بخش از این آلبوم روی اشعاری از نیما یوشیج تالیف شده است و بخش دیگر قطعاتی با اشعار احمد شاملو، شفیعی کدکنی، محمدعلی بهمنی، سیمین بهبهانی و علیرضا کیلیایی را در بر می‌گیرد. مهیار علیرزاه که پیش از این با آهنگسازی آلبوم «حریق خزان» علیرضا قربانی در جامعه موسیقی شناخته شد در مورد چگونگی شکل‌گیری این اثر می‌گوید: «دغدغه استفاده از چند صدا با نقش‌های مختلف از سال‌ها پیش و در زمان تحصیل در ارمنستان و تحت‌تأثیر موسیقی کلاسیک شکل گرفت ولی در آن زمان تجربه کافی برای چنین پروژه بزرگی را نداشتیم. علاوه بر آن، کار می‌بایست روی اشعار فارسی ساخته می‌شد و این مشکل ترین بخش بود انتخاب اشعاری که مرا تحت‌تأثیر قرار دهد و هم‌زمان برای ساخت اثر با دو خواننده متفاوت توجه‌پذیر باشد. این ایده را با همایون شجریان و و علیرضا قربانی مطرح کردم و آنها پذیرفتند که روی پروژه کار کنیم. قسمت عمده کار ضبط را کستر پرگ انجام شده است و گروه آوازی تهران به سرپرستی میلاذ عمرانو عده‌دار بخش‌های کر مجموعه بوده‌اند.

زیر آسمان فیر وزم‌ای

آمادگی سازمان سینمایی برای همکاری با فیلمسازان پیشکسوت

در انتظار بازگشت بهرام بیضایی

● حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی در حاشیه مراسم اهدای خون سینماگران به مردم غزه اعلام کرد با فیلمنامه «مقصود» بهرام بیضایی موافقت اصولی شده است و «پاداش» کمال تبریزی مشکلی برای نمایش ندارد. ایوبی درباره آخرین وضعیت صدور پروانه ساخت برای ناصر تقوایی و بهرام بیضایی گفت آقای بیضایی برای فیلمنامه «مقصود» موافقت اصولی گرفتند و باید ببینیم نظر ایشان چیست و چه تصمیمی خواهند گرفت. منتظر بازگشت ایشان به کشور هستیم. با ناصر تقوایی چندین‌بار جلسه گذاشتیم و صحبت کردیم با فیلمسازی ایشان هم موافقت شده و قرار است آقای تقوایی طرح یا فیلم‌نامه‌ای برای ساخت ارائه کند اما تاکنون هیچ طرح یا فیلم‌نامه‌ای از طرف ایشان ارائه نشده است. ایوبی در پاسخ به اینکه با توجه به خرید فیلم «گزارش یک جشن» ساخته ابراهیم حاتم‌کی توسط سازمان سینمایی چرا این فیلم اکران نمی‌شود گفت: «دربراره فیلم گزارش یک جشن هیچ بحثی صورت نگرفته است و طبعاً تصمیمی هم نگرفته‌ایم. باید با خود آقای حاتم‌کی هما صحبت کنیم و بعد تصمیم بگیریم» گزارش یک جشن در جشنواره بیست‌ونهم فجر در سال ۱۳۸۹ به نمایش درآمد و در دو بخش صدایدری طراحی لباس نامزد دریافت سیمِرخ بلورسن بود اما با گذشت بیش از سه‌سال همچنان برای اکران عمومی بلاتکلیف‌است.

تصمیم

● در گفت‌وگوی ششم مرداد (شرق) با داریوش کاردان، مجری برنامه «شهریاران» در بخشی از گفت‌وگو درباره بازی در فیلم‌های محمدرضا ورزی گفته بود: «سخت است انسان به تاریخ وفادار بماند و دوز وفاداری به تاریخ در افراد مختلف و برنامه‌های مختلف فرق می‌کند. اما اینجا تئمرکی است برای کسانی که اعتقاد دارند تاریخ تحریف شده است.» و سپس افزوده بود: «اینکه فیلم‌های آقای ورزی هم چقدر به تاریخ وفادار باقی می‌ماند دوزش فرق می‌کند اما به هر حال تاریخ را نمی‌شود کامل عوض کرد. اگر اهلش به فیلم‌های ایشان درست نگاه کنند بافره‌ایمی وجود دارد که خیلی زیباست، صبر کنید تا ماعمای ما در دو بخش شود و کاراکتر هویدا دیده شود. کارهای آقای ورزی را به‌خاطر نوع دکوپاژ و نوع حرکت دوربین و نوع چیدمان خیلی دوست دارم. نوع کار فیلمبرداری و تصویربرداری کارهایشان برایم لذت‌بخش است.» که این بخش از صحبت‌های کاردان، سهوا حذف شده بود به این وسیله با پوشش از مخاطبان گرمی و ایشان، پاسخ کامل کاردان منتشر شد.